

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتادوهفتم

بهار ۱۳۹۸

سیره‌نگاری ابن عقده؛ عرصه تقابل سیره‌نگاری علوی با عثمانی؛

مطالعه موردی عصر نبوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۴

محمد رضا هدایت پناه^۱

علی احمدی^۲

ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده (د. ۳۳۳ق)، یکی از محدثان زیدی جارودی سده‌های سوم و چهارم هجری و نویسنده بیش از سی عنوان کتاب است. او مانند ابن هلال ثقفی (د. ۲۸۳ق)، نصر بن مزاحم (د. ۲۱۲ق) و محمد بن عمر جعابی (د. ۳۵۵ق)، نماینده جریان تاریخ‌نگاری علوی است که در برابر تاریخ‌نگاری عثمانی قرار دارد. این مقاله، سیره نبوی را با تأکید بر روایات تاریخی برجای مانده از ابن عقده و مطالعه تطبیقی آنان با سیره نبوی گزارش شده به وسیله جریان عثمانی، با رویکرد روایی - تاریخی بررسی می‌کند و پس از تحلیل انتقادی مستندات آن دو به این نتیجه می‌رسد که نگاه ابن عقده در تقابل با نگاه عثمانیه در پی برجسته ساختن جایگاه ممتاز امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام در رویدادهای عصر نبوی است.

۱. دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (rihu.ac.ir @Hedayatp).

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام (aliamady1355@yahoo.com).

کلیدواژگان: امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، ابن عقده، سیره نبوی، تاریخ نگاری علوی، تاریخ نگاری عثمانی.

۱. مفاهیم

۱-۱. تاریخ نگاری علوی

قتل خلیفه سوم و انتخاب امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه، موجب جبهه‌گیری و تقابل دو جریان مهم علوی و عثمانی در جامعه اسلامی گردید. خاستگاه این دو جریان در هنگام تشکیل، سیاسی بود. جریان علوی به دو بخش تقسیم می‌شد. بخش اول، علویانی بودند که بر اساس وصایت و حدیث غدیر، امام علی علیه السلام را به عنوان خلیفه برگزیدند. این گروه، امام را از خلفا و همه صحابه افضل می‌دانستند. آنان خلافت خلیفه اول و دوم را فاقد مشروعیت می‌دانستند و عثمان را به دلیل رفتارهای خارج از سنت نبوی و بدعت‌هایش در دین، مورد طعن قرار می‌دادند.

بخش دوم، مسلمانانی که با امام علی علیه السلام، هم‌چون ابوبکر، عمر و عثمان به عنوان خلیفه بیعت کردند. آنان به عثمان انتقاد داشتند، اما به خلیفه اول و دوم محبت داشتند و امام علی علیه السلام را مثل دیگر صحابه می‌دانستند. در سال‌های بعد، گروه اول به شیعه اعتقادی و گروه دوم به شیعه سیاسی مشهور شدند.^۱ جریان علوی از هر دو نوع در دو امر مشترک بودند: ۱. مخالفت با بنی‌امیه و جریان عثمانی و ۲. ارادات به اهل بیت علیهم السلام.

این دو جریان سیاسی - مذهبی در بعد نظامی، خود را در دو جنگ جمل و صفین و حادثه کربلا نشان دادند. آنان در بعد علمی و فرهنگی در برابر هم قرار داشتند که بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از بعد نظامی، خود را نشان داد و در حدیث، سیره‌نگاری و

۱. برای آگاهی بیشتر از ابعاد این موضوع، رک: هدایت‌پناه، *بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا*،

تاریخ‌نگاری پدیدار شد. بنابراین، می‌توان گفت که به نوعی از تاریخ‌نگاری که خاستگاه آن، جریان علوی باشد یا آن تفکر را نشر دهد، تاریخ‌نگاری علوی می‌گویند.

۱-۲. تاریخ‌نگاری عثمانی

هواداران عثمان که گروه‌های وابسته به جریان عثمانی را تشکیل می‌دادند، بیشتر امویان، زبیریان و طیف گسترده‌ای از اصحاب ناکشین و قاسطین بودند.^۱ آنان معتقد بودند، خلیفه سوم به ناروا کشته شده است. آنان، امام علی علیه السلام و اصحاب ایشان را مسببان اصلی قتل عثمان می‌دانستند. این اتهام در شعر حسان بن ثابت مشخص است.^۲ آنان برای این ادعا به روایات استناد می‌کردند^۳ و می‌گفتند که علی علیه السلام با سکوت و کناره‌گیری، با شورشیان هم‌نوایی کرده است. در نتیجه تمام این گروه‌ها مجرم هستند و باید قصاص شوند و امیرمؤمنان به این دلیل که به وسیله شورشیان انتخاب شده است و آنان را پناه داده است در جرم آنان سهیم است.^۴ هم‌چنین، خلافت او به دلیل مخالفت و عدم بیعت گروهی از مسلمانان شام و بصره، مشروعیت ندارد و از آن به عنوان دوران فتنه یاد می‌کردند.^۵

۱. ناشی‌ء اکبر، مسائل الامامة، ص ۱۷۹.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۴۴۹؛ مفید، الجمل، ص ۲۱۰-۲۱۱، ۲۱۸.

۳. شیخ مفید به بخشی از این روایات اشاره کرده است و به آنها پاسخ داده است. ر.ک: شیخ مفید، الجمل، ص ۲۰۷-۲۲۲.

۴. جاحظ در این باره توضیحات دیگری داده است و شیخ مفید به این توهم عثمانیان پاسخ گفته است (ر.ک: شیخ مفید، الجمل، ص ۲۰۴-۲۰۶).

۵. قاعدین و عثمانیه و یا اهل‌الحديث که همان افکار عثمانی مذهبیان را در قرن سوم داشتند، بر این باور بودند که «یزعمون ان ولايته كانت فتنه». آنان بر این باور هستند که دوران ولایت امام علی علیه السلام دوران فتنه بوده است (ر.ک: بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۹؛ شیخ مفید، الجمل، ص ۹۵، ۲۵۲؛ ناشی‌ء اکبر، مسائل الامامة، ص ۱۷۸-۱۷۹).

این گروه، چون عثمان را بر امام علی علیه السلام مقدم می‌دانستند^۱ و به فضایل عثمان احتجاج می‌نمودند و از ایرادهای مخالفان عثمان در حق او دفاع می‌کردند به عثمانیه شهره بودند.^۲ عثمانیه، سلف اهل حدیث حنابله بغداد در قرن سوم به شدت متعصب و منکر فضایل امام علی علیه السلام بودند^۳ و از هر گونه بحث درباره عملکرد صحابه که موجب نقد و تنقیص آنان می‌شد، نهی می‌کردند و آن را بدعت، مخالفت با شریعت و حرام می‌دانستند.^۴ عثمانیه، شدیدترین دشمنان امام علی علیه السلام در میان فرق اسلامی و سیاسی هستند.^۵ بنابراین، می‌توان گفت که تاریخ‌نگاری عثمانی به نوعی برخاسته از این جریان، یا نشر دهنده چنین تفکری است.

۲. طرح مسئله

بیشتر آثار ابن عقده، حدیثی است اما در تدوین سیره نبوی سهم داشته است. فهرست‌نگاران از آفرینش آثاری با نام *السنن، الدلائل و ذکر النبی صلی الله علیه و آله*^۶ از سوی ابن عقده یاد می‌کنند که درباره سیره نبوی بوده است. هم‌چنین کتاب *الولایة و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام*^۷ در بردارنده اخبار مربوط به امام علی علیه السلام است که با سیره نبوی مرتبط است و می‌تواند مورد توجه این پژوهش قرار گیرد.

۱. ابن حجر، *فتح الباری*، ج ۶، ص ۱۳۲؛ ج ۱۲، ص ۲۷۱.

۲. جاحظ، *العثمانیه*، ص ۵.

۳. ر.ک: ابن قتیبه، *الاختلاف فی اللفظ*، ص ۴۷.

۴. ر.ک: شیخ مفید، *الجمل*، ص ۸۵، پاورقی ۳ محقق کتاب، ص ۲۰۷-۲۱۱؛ ابن قتیبه، *الاختلاف فی اللفظ*،

ص ۴۷؛ ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۶، ص ۱۳۲؛ ج ۱۲، ص ۲۷۱.

۵. جاحظ، *العثمانیه*، ص ۵.

۶. طوسی، *رجال طوسی*، ص ۴۴۲.

۷. همان.

ابن عقده نماینده جریان علوی است. بنابراین، روایاتی را درباره سیره نبوی نقل می‌کند که با جمع‌آوری، بررسی و عرضه آنان بر منابع عثمانی، می‌توان به دیدگاه جامع این دو جریان درباره سیره نبوی رسید. البته باید توجه کرد که در درون هر دو جریان، گرایش‌های تند و اعتدالی وجود دارد. برای مثال در جریان علوی، تشیع زیدی نسبت به برخی از افراد و وقایع تاریخی صدر اسلام دارای نگاهی نرم‌تر بوده است و حساسیتی مانند شیعه امامی نداشته است.^۱

بنابراین، نباید دیدگاهی یکسان از ابن عقده که نماینده جریان علوی از نوع زیدی است، با دیگر مورخان و محدثان شیعه امامی انتظار داشت؛ زیرا در اندیشه زیدی‌ها نسبت به خلیفه اول و دوم، حساسیتی هم‌چون شیعه امامی وجود ندارد.^۲ چنان‌که در گزارش‌های وی، ملاحظه خواهد شد.

بنابراین به دلیل آن‌که تاکنون در این موضوع خاص، اثری نوشته نشده است، لازم است سیره نبوی از دیدگاه جریان علوی بر محور ابن عقده بررسی شود. شناخت هر چه بیشتر دیدگاه ابن عقده درباره سیره نبوی ایجاب می‌کند به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: ۱. دیدگاه ابن عقده درباره سیره نبوی چیست؟ ۲. چه تفاوتی بین نگاه وی و دیدگاه عثمانی وجود دارد؟ ۳. چه نقدهایی بر مؤلفه‌ها و عملکرد ابن عقده به عنوان یکی از نمایندگان دیدگاه علوی در بخش سیره نبوی وارد است؟

۱. برای نمونه، شخصیتی چون ابن هلال ثقفی با این‌که از زیدی به امامی تغییر مذهب داده است اما در *الغارات* سخنانی از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره سیره پسندیده خلیفه اول و دوم آورده است (ر.ک: ابن هلال ثقفی، *الغارات*، ص ۲۰۳). این موضوع می‌تواند برخاسته از نگاه زیدیه به نص خفی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و مشروعیت خلافت دو خلیفه نخست باشد. (ر.ک: مفید، *اوائل المقالات*، ص ۲۷۸).

۲. ریشه این اندیشه، به قیام زید بن علی برمی‌گردد. هنگامی که بزرگان کوفه، عقیده وی را درباره خلیفه اول و دوم خواستند و زید از آنان به نیکی یاد کرد و این عقیده سبب شد، او را یاری نکنند (طبری، *تاریخ الرسل و الملوك*، ج ۶، ص ۱۵۶).

این پژوهش، با روش کتاب‌خانه‌ای در گردآوری داده‌ها و روش تحلیل محتوایی کمی و کیفی (توصیفی - تحلیلی)، اقدام به جمع‌آوری و بررسی آرای ابن عقده در سیره نبوی و تطبیق آن با سیره نبوی روایت شده به‌وسیله جریان عثمانی می‌پردازد و پس از تبیین مفاهیم در بخش گزارش‌های ابن عقده درباره سیره نبوی، با توجه به فقدان آثار ابن عقده، تنها به بیان روایات برجای مانده از ابن عقده پرداخته خواهد شد. همچنین، تنها روایاتی مطرح می‌شود که جنبه سیره‌ای دارد، نه فضایی و مناقبی. سپس در بخش چهارم، گزارش‌های ابن عقده با جریان عثمانی تطبیق، تحلیل و بررسی خواهد شد.

فرضیه این مقاله، پس از گردآوری احادیث مربوط به سیره نبوی ابن عقده و مقایسه آن با منابع عثمانی این است که احادیث مربوط به سیره نبوی ابن عقده با منابع عثمانی در محتوا متفاوت است. همچنین، نقش امام علی علیه السلام، حضرت زهرا (س) و اهل بیت علیهم السلام در سیره نبوی ابن عقده، نسبت به سیره نبوی عثمانی، پررنگ است و نقش صحابه به خصوص خلفا، بسیار کم‌رنگ است.

۳. گزارش‌های ابن عقده درباره سیره نبوی

۳-۱. قبل از هجرت

در شب میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله، یک یهودی در نزد بزرگان قریش، از مولودی خبر داد که یا در این جا یا در فلسطین متولد خواهد شد. اسم او احمد و هلاک اهل کتاب به دست او است. آنان، او را به سوی منزل عبدالله راهنمایی کردند. وی پس از مشاهده نور و نشانه نبوت گفت: نبوت تا روز قیامت از بنی اسرائیل بیرون رفت.^۱

اسلام ابوطالب: ابن عقده راوی چهار روایت درباره ایمان و اسلام ابوطالب است:

۱. امام صادق علیه السلام، ایمان ابوطالب را هم‌چون ایمان اصحاب کهف می‌داند که به ظاهر

۱. طوسی، الامالی، ص ۱۴۵.

مشرک ولی در قلب مؤمن بودند و به همین خاطر، دو پاداش می‌برد.^۱ ابوبکر از اسلام آوردن ابوطالب خوشحال شد و پیامبر ﷺ او را تصدیق کرد.^۲ در آخرین لحظات عمر ابوطالب، پیامبر ﷺ از او خواست تا لاله‌الاله‌الاالله بگوید. مدتی گذشت تا لب‌هایش به حرکت درآمد. عباس که حضور داشت، گفت: ای پسر برادرم! به خدا قسم! آنچه از او خواسته بودی، گفت. رسول خدا ﷺ فرمود: من نشنیدم.^۳ امام حسن علیه السلام بر ایمان ابوطالب در لحظات آخر و یقین پیامبر ﷺ به آن تأکید کرد.^۴

اولین مسلمان: اول مسلمان از مردان امام علی علیه السلام و از زنان خدیجه است.^۵ امام علی علیه السلام سه سال پیش از دیگران، همراه پیامبر ﷺ نماز خوانده است.^۶ ایشان اول من آمن^۷، اول من اسلم^۸ و أقدمهم سلماً^۹ است.

اعلانِ جانشینی امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ فرزندان عبدالمطلب را که چهل نفر بودند جمع کرد و به آنان فرمود: ای بنی عبدالمطلب! خداوند رسولی را مبعوث نکرد، مگر آن که از اهل او، شخصی را برادر، وزیر، وارث و وصی او معرفی کرد. پس چه کسی از شما می‌خواهد برادر، وزیر و وصی من باشد؟ در این هنگام، علی بن ابی‌طالب بلند شد و پذیرفت، در حالی که کوچک‌ترین آن جمع بود. پیامبر ﷺ از ایشان خواست تا بنشینند.

۱. ابن بابویه، الامالی، ص ۶۱۵.

۲. موسوی، ایمان ابی‌طالب، ص ۱۱۳.

۳. طوسی، الامالی، ص ۲۶۵.

۴. همان، ص ۵۶۱.

۵. طوسی، الامالی، ص ۲۵۹.

۶. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۶۳، ۹۱.

۷. طوسی، الامالی، ص ۱۴۷، ۵۶۱.

۸. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۸۶.

۹. ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۲۵.

فردای آن روز، سخن خود را با آنان تکرار کرد و دوباره فقط امام علی علیه السلام پذیرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان خواست بنشینند. روز سوم همین حکایت تکرار شد. سپس، همه با امام علی علیه السلام بیعت کردند.^۱

۳-۲. بعد از هجرت

ابن‌عقده لیلۃ المییت را از فضایل مختص امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند و شأن نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» را درباره ایشان می‌داند.^۲ بنا بر گزارش او، امام علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید تا ایشان از منزل خارج شود. سپس ابوبکر رسید و سراغ ایشان را گرفت. امام علیه السلام خبر داد که رفته است. ابوبکر به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله به راه افتاد و به ایشان رسید. وقتی به غار رسیدند، می‌ترسید. پیامبر صلی الله علیه و آله او را دل‌داری داد که نگران نباش، خدا با ما است.^۳ امام علیه السلام که از حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در غار خیر داشت، ارتباط خود با آنان را در روزهای آینده حفظ کرد و برای آنان آذوقه می‌برد. در یکی از همین ملاقات‌ها، پیامبر صلی الله علیه و آله او را به پرداخت دیون خود در مکه مأمور کرد و فرمان داد، همراه اهلس در مدینه به او ملحق شود.^۴

اخوت: ابن‌عقده پیمان برادری رسول خدا صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علیه السلام را از فضایل ایشان می‌داند.^۵

ازدواج امام علی علیه السلام: ابن‌عقده، روای سه روایت در این‌باره است: ۱. پس از تعیین مهریه، عده‌ای مهریه کم ایشان را نکوهش کردند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او این ازدواج را

۱. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۹.

۲. طوسی، الامالی، ص ۲۵۳.

۳. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۶۷.

۴. همان، ج ۴۲، ص ۶۸.

۵. طوسی، الامالی، ص ۲۷۱.

سر و سامان نداده است، بلکه خداوند در شب معراج، مقدر فرموده است. جبرئیل و میکائیل هر کدام با هفتاد هزار ملک در این مراسم شرکت داشتند.^۱ ولیمه عروسی بسیار با برکت بود.^۲ اسماء بنت عمیس در مراسم عروسی و در خلوت فاطمه (س) حضور داشت تا جای‌گزینی برای خدیجه باشد. پیامبر ﷺ برای وی دعا کرد.^۳

جنگ بدر: درباره جنگ بدر، چهار روایت به ما رسیده است و آنچه به امیرالمؤمنین ارتباط دارد، چنین است: ۱. نقش مهم امام علی علیه السلام در پیروزی مسلمانان و نزول آیه «مَنْ نَجَعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»^۴ در شأن ایشان و دشمنان‌شان نازل شده است. الَّذِينَ آمَنُوا امام علی علیه السلام، حمزة بن عبدالمطلب (د. ۳ق) و عبیده بن حارث (د. ۲ق) و الْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ عتبه بن ربیع (د. ۳ق)، شیبه بن ربیع (د. ۳ق) و ولید بن عتبه (د. ۳ق) بودند که در روز بدر با یکدیگر مبارزه کردند.^۵ دستور پیامبر ﷺ به یاران خود درباره دستگیر نکردن بنی‌عبدالمطلب؛ زیرا به اجبار شرکت کرده بودند.^۶

۱. طوسی، الامالی، ص ۲۵۷.

۲. طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة، ص ۹۵.

۳. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۲، ص ۴۲۲. بر اساس روایات مشهور سیره‌نویسان، اسماء بنت عمیس در این زمان در حبشه بوده است (ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۱۹) و شاید با شخص دیگری که با ایشان هم‌نام و در آن زمان در مدینه بوده است و به احتمال، اسماء بنت ابی‌بکر بوده است، اشتباه شده است (ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۷۸۴).

۴. ص / ۲۸.

۵. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۸، ص ۲۶۰.

۶. طوسی، الامالی، ص ۳۴۲.

غزوه خندق: ابن عقده روای دو روایت درباره غزوه خندق است که یکی از آنان مربوط به امام علی علیه السلام است و آن دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق آن حضرت است که فرمود:

خدایا! عیبده پسر حارث را در روز بدر از من گرفتی و در روز احد، حمزه

پسر عبدالمطلب را و این علی است. مرا تنها نگذار و تو بهترین وارثانی.^۱

حادثه افک: پس از تهمتِ عده‌ای به عایشه، پیامبر صلی الله علیه و آله، عقیده امام علی علیه السلام را پرسید.

امام علی علیه السلام فرمود:

از بریره، خادمه عایشه بپرسد.

هر چند بریره بر نیکی عایشه گواهی داد، اما عایشه ناراحت شد و گفت:

پس از این، هیچ‌گاه علی را دوست نخواهم داشت؛ زیرا با دوستش و خادمه-

ام، بدون من، درباره من از او پرسیدند.^۲

صلح حدیبیه: پس از صلح حدیبیه، عده‌ای از تازه مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله پوستند.

مشرکان از ایشان خواستند، آنان را بنا بر صلح‌نامه برگرداند. حضرت ابتدا عقیده ابوبکر و

سپس عقیده عمر را پرسید. هر دوی آنها سخن مشرکان را تأیید کردند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود: ای قریش! کسی را به سوی شما خواهیم فرستاد که برای دین، گردن شما را با

شمشیر می‌زند و خداوند، قلب او را بر ایمان امتحان نموده است. ابوبکر گفت: آن فرد من

هستم؟ فرمود: نه؛ عمر پرسید: آن فرد من هستم؟ فرمود: خیر. او کسی است که کفش

پینه می‌کند. در همین حال، امیرالمؤمنین علیه السلام در حال وصله زدن کفش پیامبر صلی الله علیه و آله بود.^۳

۱. اللهم إني أخذت مني عبدة بن الحارث يوم بدر، و حمزة بن عبد المطلب يوم أحد، و هذا علي، فلا

تدعني فردا و أنت خير الوارثين (ابن عقده، فضائل امير المؤمنين عليه السلام، ص ۷۹).

۲. مفید، الامالی، ص ۴۲۶.

۳. طوسی، الامالی، ص ۲۵۴.

جنگ خیبر: از ابن عقده، پنج روایت درباره جنگ خیبر بر جای مانده است که سه روایت آن، مربوط به فرمان‌دهی و پرچم‌داری امام علی علیه السلام است. در این جنگ، پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمود: فردا پرچم را به مردی می‌سپارم که خدا و رسولش، او را دوست دارند و او، خدا و رسولش را دوست دارد. بر نمی‌گردد، مگر با پیروزی. هر کدام از صحابه دوست داشت، پرچم به او واگذار شود. فردای آن روز، پیامبر صلی الله علیه و آله سراغ ایشان را گرفت. گفته شد که چشمانش درد می‌کند. آن حضرت به امر پیامبر صلی الله علیه و آله فراخوانده شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آب دهان خویش را بر چشمان وی مالید که خوب شد. سپس پرچم را به او سپرد و او با پیروزی برگشت.^۱

دو گزارش دیگر ابن عقده، یکی درباره چگونگی تقسیم غنایم خیبر^۲ و دیگری درباره بازگرداندن نیمی از زمین‌های خیبر به صاحبان آنان است.^۳

محاصره طائف: رسول خدا صلی الله علیه و آله در جریان محاصره طائف، امام علی علیه السلام را خواست و مدتی طولانی با او نجوا کرد. برخی اعتراض کردند. آن حضرت فرمود: من با او آهسته سخن نمی‌گویم، بلکه خداوند با او آهسته سخن می‌گوید.^۴

حدیث منزلت: حدیث منزلت دو بار به وسیله ابن عقده منعکس شده است. در این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که می‌خواست به سوی تبوک برود و امام علی علیه السلام را جانشین خود در مدینه قرار دهد، ناراحتی ایشان را دید و فرمود: آیا راضی نیستی نسبت به من، مانند هارون به موسی باشی؟ امام فرمود: بله. سپس، او را جانشین خود در مدینه قرار داد.^۵

۱. ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۸۱.

۲. طوسی، الامالی، ص ۲۶۲.

۳. همان، ص ۳۴۲.

۴. همان، ص ۳۳۵.

۵. همان، ص ۲۶۱، ۳۳۴.

مباهله: پیامبر ﷺ به همراه امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام برای مباهله با مسیحیان نجران، از مدینه خارج شد.^۱ در آیه مباهله، منظور از انفسنا امام علی علیه السلام، ابناءنا امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نساءنا حضرت فاطمه (س) است و آنان هستند که اهل پیامبر صلی الله علیه و آله، گوشت، خون و نفس پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله از آنان است.^۲

اخذ زکات: پس از حکم وجوب زکات، پیامبر صلی الله علیه و آله خلیفه دوم را مأمور دریافت زکات کرد. او نزد عباس بن عبدالمطلب (د. ۳۲) رفت و زکات مالش را خواست. پیامبر صلی الله علیه و آله به عمر فرمود: آیا نمی‌دانی عموی مرد شاخه‌ای از پدرش است؟ عباس، زکات مالش را در سال اول داده است.^۳

سربه یمن: خالد بن ولید (د. ۲۱ یا ۲۲) در سال ۱۰ ق به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله با لشکری به یمن رفت. پس از مدتی، پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام را فرستاد تا غنایم را از خالد بگیرد و برای او بفرستد.

بنابر دو گزارش از ابن عقده، امام یکی از غنایم را تصرف کرد که باعث خشم خالد و لشکریان شد. خالد در نامه‌ای، این ماجرا را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد و بریده نامه را به ایشان رساند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نامه را دید، چهره‌اش تغییر کرد و فرمود: «یا بریده لا تقعن فی علی فاینه منی و أنا منه و هو ولیکم بعدی».^۴

بنابر گزارش دوم، پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری عصبانی شد که تا آن روز، آن‌گونه خشم ایشان را ندیده بودم. سپس فرمود: «یا بریده إن علیا ولیکم بعدی فأحب علیا فإنما یفعل ما یؤمر».^۵

۱. همان، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۵۶۱.

۳. همان، ص ۲۸۲.

۴. ابن عقده، همان، ص ۵۵.

۵. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۹۱.

جانشینی پیامبر ﷺ: ابن عقده خلافت را از آن امام علی رضی الله عنه می‌داند و در این باره کتاب مهم *الولایة* را نوشته است. او در این کتاب، حدیث غدیر را از ۱۰۵ طریق، گرد آورده است.^۱ بنا بر یک گزارش، او نخستین محدثی است که درباره غدیر، کتابی مستقل نوشته است^۲، ولی طبری (د. ۳۱۰) پیش از او، کتابی درباره طرق روایی غدیر نوشته است.^۳ کتاب *الولایة* ابن عقده که از آثار مفقود او است به کوشش عبدالرزاق حرزالدین، بازسازی و به وسیله انتشارات دلیل ما در سال ۱۳۷۹ منتشر شد.

وفات پیامبر ﷺ: ابن عقده، راوی سه روایت درباره وفات پیامبر ﷺ است. مهم‌ترین آنها که مورد توجه راویان دو گروه علوی و عثمانی قرار گرفته است، مربوط به درخواست پیامبر ﷺ در لحظات آخر عمرش برای حضور یافتن علی رضی الله عنه است که از عایشه خواست تا حبیبش را نزد او بخواند. عایشه به اطرافیان گفت: پسر ابی طالب را بخوانید. به خدا قسم! جز او را نمی‌خواهد. پس از حاضر شدن امام، پیامبر ﷺ در آغوش ایشان جان داد.^۴ هم‌چنین، هنگامی که حضرت فاطمه (س) حال پدر را دید گریه کرد. پدر فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ آیا نمی‌دانی خداوند به زمین توجه کرد و پدرت را به رسالت برگزید. سپس، برای دومین بار توجه کرد و شوهرت علی را برگزید. سپس به من وحی کرد تا تو را به نکاح او درآورم و وی را به وصایت خود انتخاب کنم. او عالم‌ترین، حلیم‌ترین و اولین مسلمان است. پس از این سخنان، فاطمه (س) خوشحال شد و خندید.^۵

۱. ابن شهر آشوب، *المناقب*، ج ۲، ص ۲۲۸؛ ابن طاووس، *الطرائف*، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲. ابن طاووس، *الطرائف*، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۲.

۳. رک: جعفریان، بخش‌های برجای مانده کتاب *فضائل علی بن ابی طالب رضی الله عنه* و کتاب *الولایة* محمد بن جریر بن یزید طبری.

۴. طوسی، *الامالی*، ص ۲۶۶.

۵. ابن عقده، *فضائل امیر المؤمنین رضی الله عنه*، ص ۲۵.

۴. تحلیل و بررسی تقابل گزارش‌های ابن عقده با جریان عثمانی

۴-۱. تقابل در ایمان و اسلام ابوطالب

ایمان و اسلام ابوطالب، یکی از موضوعات چالشی بین شیعه و اهل سنت است. تلاش عالمان علوی، اثبات ایمان و اسلام ابوطالب است. روایات ابن عقده درباره ایمان و اسلام ایشان تصریح می‌کند که با یکی از شاخصه‌های سیره‌نگاری علوی؛ یعنی نگاه مثبت‌گرایانه به جریان علوی در مسائل اعتقادی و سیاسی که ارتباط ابوطالب به عنوان پدر امیرالمؤمنین علیه السلام در همین راستا است، هماهنگ و در تقابل با جریان محدثان سنی به خصوص عثمانی است که بر شرک و کفر ابوطالب تأکید می‌کنند.

بنابر روایت محمد بن اسماعیل بخاری (د. ۲۵۶) و محمد ابن سعد (د. ۲۳۰)، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام وفات ابوطالب با نزول آیه «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ»^۱ از طلب مغفرت برای ایشان نهی شد.^۲ مسلم آیه ۵۶ سوره قصص «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ» را مربوط به ابوطالب می‌داند. بنابر گزارش او، ابوطالب هنگام احتضار، بنی‌هاشم را به اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله امر کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ای عموا! آنها را نصیحت می‌نمایم ولی خود را رها می‌کنی. ابوطالب گفت:

نمی‌توانم از دین پدر و اجدادم دست بردارم.^۳

بنابر روایتی دیگر، پس از مرگ ابوطالب و هنگام یادآوری نام وی به‌وسیله یکی از اصحاب، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

امید است شفاعت من در روز قیامت برای او سودمند باشد. در میان آبی جوشیده

۱. توبه / ۱۱۳.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۹۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳. مسلم، الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۱۴۰.

از آتش قرار می‌گیرد که تا دو کعب او می‌رسد و از آن جا تا مغز او را می‌جوشاند.^۱

بنابر گزارش طبری (د. ۳۱۰)، هنگامی که پیامبر ﷺ از او خواست اسلام بیاورد، پاسخ داد:
نمی‌توانم از دین آبا و اجدادی خود بگذرم.^۲

بنابراین، اثبات نشدن ایمان ابوطالب برای عالمان سنی، بخشی از این تقابل است. در مقاله نقدی بر رویکرد صحابه‌نگاران به حضرت ابوطالب رضی الله عنه با تکیه بر ابن حجر و کتاب *الاصابة*^۳، عملکرد آنان درباره تعریف صحابه و اثبات صحابی بودن افراد و مقایسه آن با عملکرد آنان درباره ایمان ابوطالب بررسی و اثبات شده است که این دو عملکرد، گویای برخورد سیاسی با موضوع ایمان ابوطالب است؛ زیرا آن همه اشعار، دلایل و شواهد^۴، نه تنها صحابی بودن را ثابت نمی‌کند، بلکه حتی اسلام ابوطالب را نزد صحابه‌نگاران ثابت نمی‌نماید و تمام آنها را دارای اشکال و غیر قابل قبول می‌داند.^۵

فردی چون امیه بن ابی‌صلت (د. ۹۹ق)^۶ تنها به دلیل شعری که در وصف پیامبر ﷺ می‌سراید و ایشان می‌فرماید: «کاد امیه ان یسلم»^۷، مسلمان و صحابی شمرده می‌شود. به

۱. احمد بن حنبل، *المسند*، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۲، ص ۳۱۳.

۳. هدایت پناه، «نقدی بر رویکرد صحابه‌نگاران به حضرت ابوطالب رضی الله عنه با تکیه بر ابن حجر و کتاب *الاصابة*»، *سفینه*، ش ۴۹.

۴. ر.ک: مفید، *ایمان ابی‌طالب رضی الله عنه*.

۵. ر.ک: ابن حجر، *الاصابة فی تمییز الصحابه*، ج ۷، ص ۱۹۸.

۶. فرزند عبدالله ابن ربیع از قبیله ثقیف، شاعر و دارای شخصیت پیچیده و مسئله‌ساز دوران جاهلی و صدر اسلام. وی تصور می‌کرد که پیامبر آخرین، او خواهد بود و اشعاری سروده بود و از همین رو نتوانست اسلام آورد و بنا بر اجماع علمای امیه کافر از دنیا رفت. برای آگاهی بیشتر از شخصیت او ر.ک: خانجانی،

مدخل امیه بن ابی‌صلت ثقیفی، *دانشنامه سیره نبوی*، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۲۷.

۷. نزدیک بود که امیه مسلمان شود.

گفته ابن طاووس (د. ۶۶۴ق)، مخالفان در مسلمان شمردن هیچ کس به اندازه ابوطالب، سخت‌گیری نکرده‌اند. بنابراین، با اسلام ابوطالب، برخورد علمی نشده است و در مسیر سیاسی قرار گرفته است. تأمل در این باره، هم‌چنان که متکلمان به آن توجه می‌کنند، از باب ارتباط آن با امیرالمؤمنین (ع)؛ یعنی موضوع اصلی نزاع دو جریان علوی و عثمانی است.^۱

۴ - ۲. تقابل در میزان و اهمیت نقش امام علی (ع) در سیره نبوی

نوع نگاه تاریخ‌نگاران علوی و عثمانی به نقش امام علی (ع) در سیره نبوی متفاوت است؛ زیرا عثمانی‌ها در برابر اهل بیت (ع)، مخالفت با امیرالمؤمنین (ع)، انکار یا سانسور و یا کم رنگ نمودن نقش ایشان در دوران پیامبر (ص) و روایت فضایل و مناقب ایشان از عملکرد یکسانی برخوردار نیستند، ولی ناخشنودی از آن حضرت، نقطه مشترک عثمانی مذهب‌ان است و گروهی از آنان، ناصبی و دشمن سرسخت اهل بیت (ع) به ویژه امام علی (ع) هستند. برخلاف تاریخ‌نگاران علوی که به نقش بی‌مانند آن حضرت می‌پردازند. ابن عقده در بیش از سی روایت، به جز فضایل و مناقب آن حضرت که بیش از دویست روایت می‌شود^۲ به نقش امام علی (ع) می‌پردازد که روایات آن بیان شد. در این قسمت، تقابل جریان عثمانی با علوی بر اساس گزارش‌های ابن عقده درباره نقش امام علی (ع) در سیره نبوی، بررسی و تحلیل خواهد شد.

معرفی اولین مسلمان، ابن عقده علوی بدون هیچ تردیدی، اولین مسلمان و ایمان آورنده به پیامبر (ص) را امام علی (ع) می‌داند. این در حالی است که آنان از زید بن حارثه^۳ و

۱. هدایت‌پناه، محمدرضا، «نقدی بر رویکرد صحابه‌نگاران به حضرت ابوطالب (ع) با تکیه بر ابن حجر و کتاب الاصابه»، سفینه، ش ۴۹.

۲. ر. ک: ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین (ع).

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۲.

ابوبکر^۱ به عنوان اولین مسلمان یاد می‌کنند، هرچند روایات اسلام حضرت خدیجه^۲ و امام علی^{علیه السلام}^۳ در بین آنان رواج دارد. گویا این جریان می‌کوشد با طرح تعدد اسامی درباره اولین شخص مسلمان، این فضیلت ایشان را کم‌رنگ کند.

پذیرش جانشینی پیامبر^{صلی الله علیه و آله} به وسیله امام در حدیث انذار یا دار به دلیل قدمت زمانی و صراحت در جانشینی ایشان، مورد توجه عالمان شیعه قرار گرفته است و آن را هم‌وزن حدیث غدیر تلقی می‌کنند.^۴ ابن عقده، گزارش آن را به تفصیل بیان می‌کند. در مقابل، ابن سعد و هیچ کدام از نویسندگان صحاح سته، این واقعه را نقل نمی‌نمایند.

احمد بن حنبل^۵ و طبری^۶، قدیمی‌ترین منابعی هستند که این واقعه را گزارش می‌کنند. این دو شخصیت، نماینده جریان اعتدالی اهل سنت هستند؛ زیرا احمد، موضوع تریب^۷ را مطرح کرد و طبری کتاب الولایه را نوشت و در مقابل اهل حدیث بغداد و

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۵۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۷۱.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۵.

۴. رک: مفید، رساله فی معنی المولی، ص ۳۹؛ مفید، الفصول المختارة، ص ۹۶؛ بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۳۲۵؛ ج ۲، ص ۲۹؛ سید بن طاووس، الطرائف، ج ۱، ص ۲۱، ۴۰.

۵. ابن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۱۵۹.

۶. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۶۲-۶۳.

۷. تضاد اصلی دو جریان علوی و عثمانی در به رسمیت و مشروع شمردن خلافت عثمان و علی^{علیه السلام} است. عثمانی‌ها خلافت عثمان را مشروع و خلافت علی^{علیه السلام} را غیر مشروع می‌دانستند و از آن به دوران فتنه تعبیر می‌کردند و در مقابل، علویان خلافت عثمان را مردود می‌دانستند و پس از ابوبکر و عمر، خلافت علی^{علیه السلام} را مشروع و به رسمیت می‌شناختند. این تقابل تا قرن سوم ادامه داشت تا این‌که احمد بن حنبل، موضوع به رسمیت شناختن خلفای چهارگانه (تریب) را مطرح کرد و اهل سنت واقعی را کسی دانست که به تریب اعتقاد داشته باشد (رک: جعفریان، رسول، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت»، هفت آسمان، ۱۳۷۹، ش ۵).

عثمانی‌های قرن سوم ایستاد و مورد بی‌مهتری آنان قرار گرفت.^۱ در قرن‌های بعدی، حاکم حسکانی (د. ۴۹۰)^۲ و علی بن محمد جزری (د. ۶۳۰) معروف به ابن اثیر^۳ این جریان را گزارش می‌کنند اما بخاری و ابن سعد به عنوان نمایندگان جریان عثمانی و برخی از جریان اعتدالی اهل سنت، این واقعه را سانسور کردند.

نقش امام علی علیه السلام در هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، عرصه این تقابل است. ابن عقده، نقش ایشان را پررنگ و نقش ابوبکر را کم‌رنگ می‌کند. او را فقط به عنوان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌بیند که در غار می‌ترسد، اما عثمانیه همراهی ابوبکر با پیامبر صلی الله علیه و آله در طول مسیر، حضور در غار و هجرت به مدینه را از فضایل او می‌دانند.^۴ طبری هم، به نقش امام علی علیه السلام در این واقعه، اشاره می‌کند^۵ اما نقش ابوبکر را پررنگ بیان می‌نماید. بنابر گزارش او، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست منزل را ترک کند به امام فرمود:

اگر ابوبکر سراغ مرا گرفت، بگو به سوی ثور رفته است. طعام و راه بسدی

با خود بیاورد تا بتوانیم به مدینه برویم.^۶

بنابر گزارشی دیگر، اسماء دختر ابوبکر، غذا به آن دو می‌رساند.^۷ بنابراین، این دوگانگی^۸ که در این‌جا به تناسب موضوع این مقاله، بخشی از آن ارائه

۱. جعفریان، بخش‌های برجای مانده کتاب فضائل علی بن ابی‌طالب علیه السلام و کتاب الولاية محمد بن جریر بن یزید طبری، مقدمه.

۲. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۴۲.

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۱۵۱.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۲۸؛ ج ۳، ص ۱۳۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۷۹.

۵. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۳۷۲.

۶. همان.

۷. همان، ج ۳، ص ۳۸۷.

۸. دوگانگی از مقوله تشکیک است. یکی بر پررنگ جلوه دادن شخصیت مورد توجه خود تأکید می‌کند و دیگری نقش اصلی را به شخصیت مورد علاقه خود می‌دهد. این رفتار، نوعی از تقابل است. تاریخ‌نگار عثمانی در جریان هجرت، علاقه‌ای به نقش امام علی علیه السلام نشان نمی‌دهد و تلاش او بر ابوبکر و خاندان او متمرکز است.

شد^۱ در بخش‌های مختلف این جریان تاریخی به خوبی از تقابل و حساست‌های این دو جریان فکری حکایت می‌کند.

پیمان برادری پیامبر ﷺ با امیرالمؤمنین علیه السلام: عثمانیه به سه روش سانسور، تحریف و تقابل با آن برخورد می‌کردند. اول این که پیمان برادری بین آن دو را روایت نمی‌کنند. دوم این که پیمان برادری بین امام علی علیه السلام و سهل بن حنیف را روایت می‌نمایند. سوم این که روایت می‌کنند، پیامبر ﷺ فرمود:

اگر می‌خواستیم از میان شما دوستی بگیریم، ابوبکر را انتخاب می‌کردیم.^۲

این امر با واکنش جریان اعتدالی اهل سنت روبه‌رو شد و ابن ابی‌الحدید (د. ۵۶۶عق) به موضوعه بودن این حدیث، برای مقابله با حدیث اخوت اشاره می‌کند.^۳

نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ بدر: گذشت که در روایت ابن‌عقده، امام علی علیه السلام، حمزه و عبیده از گروه مؤمنان و عتبه، شیبیه و ولید از گروه فاسقان معرفی شدند. بنا بر گزارش کامل طبری، پس از آن که عتبه با برادرش شیبیه و پسرش ولید آماده جنگ شد، هم‌آورد خواست. سه جوان از انصار به مقابله او رفتند اما عتبه و همراهان او از پیامبر ﷺ خواستند تا هم‌سنگان آنان را از قوم خودشان، قریش بفرستد.

پیامبر ﷺ حمزه، عبیده و امام علی علیه السلام را به مبارزه با آنان فرستاد. عبیده که از دیگران سال خورده‌تر بود با عتبه، حمزه با شیبیه و امام با ولید هم‌آورد شد. پس از مدت کوتاهی، حمزه شیبیه و امام علیه السلام ولید را کشت ولی عبیده زخمی شد. بنابراین، حمزه و امام علی علیه السلام به کمک عبیده رفتند و عتبه را کشتند و عبیده زخمی را پیش پیامبر ﷺ بردند.^۴

۱. برای نمونه آل‌زبیر، یکی از نمایندگان فعال تاریخ‌نگاری عثمانی هستند که این تقابل را در موضوع‌های مختلف در بخش سیره نبوی انعکاس می‌دهند. برای آگاهی بیشتر، رک: هدایت پناه، محمدرضا، زبیریان و تدوین سیره نبوی، ص ۱۰۰-۱۰۷.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۷.

۴. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۴۲۶.

بخاری در پنج روایت به این واقعه اشاره می‌کند: ۱. «هَذَا خِصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَجْمِهِمْ» در روز بدر و درباره شش نفر از قریش؛ یعنی علی، حمزه، عبیده، شیبیه، عتبه و ولید نازل شد؛ ۲. شیبیه روایت اول، بدون اشاره به جنگ بدر؛ ۳. بیان آیه بدون شأن نزول؛ ۴. بیان روایت با نام‌آوری همه به جز امام علی عليه السلام؛ ۵. شیبیه روایت دوم.^۵

تنها روایت مسلم^۶ مثل اولین حدیث بخاری است. بنابراین، هر چند تأکید می‌شود، مبارزه آنان برای رضای خدا بوده است، اما این که امام علی عليه السلام و دیگر مبارزان سپاه پیامبر صلى الله عليه وآله از مؤمنان بودند و امویان مشرکی که مقابل آنان ایستادند از مفسدان شمرده شدند، نقل نمی‌شود و جریان عثمانی به دلیل تعلق رهبران آن به قریش، به بیان این نکات درباره کفار قریش به خصوص بزرگان و اشراف آن، روی خوش نشان نمی‌دهد.

هم‌چنین در گزارش‌های بخاری در مضمون اختلاف است. او در یک روایت از امام علی عليه السلام نام نمی‌برد و حمزه را محور قرار می‌دهد. سپس امام علی عليه السلام را بدون بیان نام به حمزه ملحق می‌کند.

نبرد امام علی عليه السلام با عمرو بن عبدود (د. ۵ق) در جنگ خندق: ابن عقده، راوی دعای پیامبر صلى الله عليه وآله در حق ایشان است. براساس این روایت، هنگامی که امام علی عليه السلام آماده نبرد شد، پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود:

خدا یا! در روز بدر، عبیده بن حرث و در روز احد حمزة بن عبدالمطلب را

از من گرفتی و این برادرم علی بن ابی طالب است. پروردگارا! مرا تنها مگذار و

۱. بخاری، الجامع الصحیح، ح ۳۹۶۵.

۲. همان، ح ۳۹۶۶.

۳. همان، ح ۳۹۶۷.

۴. همان، ح ۴۷۴۳.

۵. همان، ح ۴۷۴۴.

۶. مسلم، صحیح مسلم، ح ۳۰۳۳.

تو بهترین وارث‌ها هستی.^۱

گزارش کامل ابن عقده درباره این جریان به ما نرسیده است که دو احتمال درباره آن مطرح است: یا آن را بیان نکرده است و یا بیان کرده است، ولی به ما نرسیده است. همچنین این روایت، بازتاب بسیار کمی در منابع اهل سنت دارد و تنها ابن ابی‌الحدید آن را نقل کرده است.^۲ از سویی دیگر، اصل جریان نبرد امام علی علیه السلام با عمرو در جنگ خندق، با چهار رویکرد متفاوت محدثان و مورخان اهل سنت روبه‌رو شده است: ۱. انکار اصل واقعه به وسیله ک افرادی هم‌چون ابن تیمیه (د. ۷۲۸ق) و اتباع او؛ ۲. سانسور اصل واقعه به وسیله افرادی هم‌چون بخاری؛ ۳. بیان حداقلی واقعه به وسیله افرادی مثل ابن سعد و طبری و ۴. بیان همراه با جزئیات به وسیله افرادی هم‌چون حاکم حسکانی و ابن ابی‌الحدید.^۳

حادثه افک: بنابر روایات ابن عقده در جریان افک و جنگ جمل، عایشه با امام علی علیه السلام اختلاف داشت. گزارش افک در منابع حدیثی معتبر اهل سنت آمده است. در صحیح بخاری، همه اسناد این حادثه که هنگام مراجعت از جنگ بنی‌المصطلق (عق) اتفاق می‌افتد به عایشه منتهی می‌شود. وی در مجموع ۱۷ روایت گزارش شده از این حادثه^۴ در چهار روایت به نقش امام علی علیه السلام اشاره می‌کند.

۱. اللهم إنك أخذت مني عبدة بن الحرث يوم بدر و حمزة بن عبدالمطلب يوم احد و هذا أخي علي بن أبي طالب؛ رَبِّ لَأَ تَدْرُنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَرِثِينَ. (ابن عقده، فضائل امير المؤمنين علیه السلام، ص ۷۹)
۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۶۱.
۳. ر. ک: علی احمدی و کاوس روحی، «مطالعه تطبیقی مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری فریقین تا قرن هفتم»، امامیه پژوهی، ش ۵، ص ۸۱-۱۰۴.
۴. بخاری، الجامع الصحیح، ح ۲۵۹۳، ۲۶۳۷، ۲۶۶۱، ۲۶۸۸، ۲۸۷۹، ۴۰۲۵، ۴۱۴۱، ۴۶۹۰، ۴۷۴۹، ۴۷۵۰، ۴۷۵۷، ۶۶۶۲، ۶۶۷۹، ۷۳۶۹، ۷۳۷۰، ۷۵۰۰، ۷۵۴۵.

بنابراین روایات، قبل از نزول آیاتی از قرآن درباره پاکی عایشه، پیامبر ﷺ از اسامه بن زید (د. ۵۹ق) و امام ﷺ مشورت خواست که عایشه را نگه دارد یا طلاق دهد. اسامه به خدا سوگند یاد کرد که جز نیکویی از وی نمی‌داند، اما امام فرمود:

یا رسول الله! خداوند بر تو تنگ نگرفته است و به جز وی، زنان بسیاری هستند. پس از خادمه بپرس که به تو راست بگوید. سپس بریره، بر پاکی عایشه شهادت داد.^۱

در گزارش دیگری در این باره آمده است:

ولید بن عبدالمک از زهری پرسید: آیا به تو خبر رسیده است که علی از کسانی بوده است که بر عایشه تهمت زدند؟ جواب داد: خیر، ولی دو مرد از قوم تو، از قول عایشه به من خبر دادند که علی، سخن بدی درباره عایشه نگفته است.^۲

مسلم تنها در باب حدیث الافک، این جریان را به تفصیل بیان می‌کند.^۳ گزارش مورخان شبیه گزارش‌های بخاری و مسلم است، با این تفاوت که بر کتک خوردن بریره به‌وسیله امام علی ﷺ برای این که اعتراف کند، اشاره می‌شود.^۴

نتیجه آن که بنابر گزارش‌های بخاری و مسلم، هر چند امام جزو تهمت‌زندگان عایشه نبوده، اما به طلاق دادن عایشه توصیه کرد. این مطلب، ایشان را در مقابل خیرخواهی اسامه قرار می‌دهد که نتیجه آن مدح اسامه و مذمت ایشان است، اما ابن عقده با بیان سخن عایشه، از ناراحتی او از امام حکایت می‌کند. مطلبی که جریان عثمانی، آن را نقل

۱. همان، ح ۴۱۴۱، ۲۶۶۱، ۴۷۵۰، ۷۳۶۹.

۲. همان، ح ۴۱۴۲.

۳. مسلم، صحیح مسلم، ح ۲۷۷۰.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۰۱؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۶۱۵.

نمی‌کند یا این که نمی‌خواهد سخن عایشه در حق ایشان نقل شود و یا سانسوری است که بغض عایشه را نشان ندهد.

گفتنی است که ابن عقده در دیگر جریان‌های تاریخی، تقابل بین امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان با عایشه را به خوبی به تصویر می‌کشد. نقش پررنگ او در جمل^۱ و جلوگیری از دفن امام حسن علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله^۲ از نمونه‌هایی است که با بی‌توجهی جریان عثمانی روبه‌رو شده است.

حدیث خاصف النعل: یکی دیگر از فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام و بیان ضعف خلیفه اول و دوم است که در منابع عثمانی منعکس نشده است و برخی از منابع معتدل اهل سنت، آن را روایت می‌کنند.^۳ این که حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵ق) این روایت را بیان می‌کند ولی بخاری بیان نمی‌کند؛ یعنی بنابر شرایط بخاری این روایت صحیح است اما او ترجیح می‌دهد آن را سانسور کند. هم‌چنین در صحاح سته، تنها ترمذی^۴ آن را بیان می‌کند و ابن سعد بیان نمی‌کند.

روایت ابن عقده درباره پرچم‌داری امیرمؤمنان علیه السلام در خبیر بیان شد. این گزارش معروف در جریان عثمانی و اعتدالی اهل سنت بازتاب داشته است.

بخاری، شش بار آن را با الفاظ و راویان مختلف گزارش می‌دهد. اولین بار در کتاب *الجهاد و السیر* که شبیه روایت ابن عقده است.^۵ در دومین حدیث، عبارت «*لأعطین الراية غدا رجلا يفتح على يديه، يحب الله ورسوله و يحبه الله ورسوله*»^۶ را بیان می‌کند که

۱. شیخ مفید، *الجمال*، ص ۲۴.

۲. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۸۲.

۳. ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۲؛ حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۶، ص ۲۱۶.

۴. ترمذی، *السنن*، ج ۱۲، ص ۱۷۷.

۵. بخاری، *الجامع الصحیح*، ص ۵۶۵، ح ۲۹۴۲.

۶. همان، ح ۳۰۰۹.

فضیلتی دیگر برای امام ع است. حدیث سوم، مثل حدیث اول است.^۱ حدیث چهارم در ابتدا، از عقب ماندن امام ع از پیامبر ص به علت چشم‌درد و رسیدن به ایشان با تأخیر گزارش می‌کند.^۲ حدیث پنجم، شبیه حدیث چهارم^۳ و حدیث ششم، شبیه حدیث دوم است.^۴

مسلم پنج بار این حدیث را با الفاظ و راویان مختلف گزارش می‌دهد. حدیث اول، شبیه روایت دوم بخاری است.^۵ در حدیث دوم، جریان جواب سعد بن ابی وقاص (د. ۵۴ق) به معاویه در پاسخ به پرسش چه چیز مانع می‌شود اباتراب را سب نکنی؟ گزارش می‌شود که وی، حدیث پرچم را یکی از دلایل سه‌گانه می‌شمارد.^۶ راوی حدیث سوم، ابوهریره (د. ۵۹ق) است.^۷ راوی حدیث چهارم، سهل بن سعد ساعدی (د. ۸۸ یا ۹۱ق) و شبیه روایت دوم و ششم بخاری است.^۸ روایت پنجم از سلمه بن اکوع (د. ۷۴ق) و شبیه روایت چهارم و پنجم بخاری است.^۹

برخلاف بخاری و مسلم (د. ۲۶۱ق)، احمد بن حنبل (د. ۲۴۱ق) و نسائی (د. ۳۰۳ق) پیش از بیان سخن پیامبر ص، به دریافت پرچم از سوی خلیفه اول و دوم در دو روز

۱. همان، ح ۳۷۰۱.

۲. همان، ح ۳۷۰۲.

۳. همان، ح ۴۲۰۹.

۴. همان، ح ۴۲۱۰.

۵. مسلم، صحیح مسلم، ص ۷۵۵، ح ۱۸۰۷.

۶. همان، ح ۲۴۰۴.

۷. همان، ح ۲۴۰۵.

۸. همان، ح ۲۴۰۶.

۹. همان، ح ۲۴۰۷.

متوالی و ناتوانی آنان از فتح قلعه اشاره می‌کنند.^۱ هم‌چنین طبرانی، از شخصی یاد می‌کند که از سوی پیامبر ﷺ مأمور فتح قلعه‌ها شد، ولی ترسید. این واقعه به قدری بر یاران پیامبر ﷺ سخت گذشت که محمد بن سلمه (د. ۴۶ق) به گریه افتاد.^۲

حاکم در پنج روایت به ناتوانی خلیفه اول و دوم در فتح قلعه‌ها اشاره می‌کند و در یک روایت، از فردی یاد می‌کند که ترسید و برگشت. وی در پایان این روایات می‌نویسد:

دو شیخ (بخاری و مسلم) بر نقل حدیث پرچم متفق هستند اما به این سیاق

نقل نمی‌کنند.^۳

غیر از محدثان، برخی از مورخان هم به ناتوانی خلیفه اول و دوم و واگذاری پرچم به امام ﷺ اشاره می‌کنند.^۴ نتیجه آن که جریان حدیثی اعتدالی و تاریخی اهل سنت این مطلب را نقل کرده‌اند که نشان دهنده نوعی هماهنگی بین مصادر حدیثی معتدل و تاریخی اهل سنت است ولی جریان عثمانی از نقل آن خودداری کرده است.

هم‌چنین، روایات بخاری و مسلم مثل هم نیستند و در برخی بر فضیلت یحیی بن علی و رسول‌الله تأکید نمی‌شود.^۵ در حالی که در روایت ابن عقده، بر این عبارت تأکید شده است.^۶ در گزارش ابن عقده، ناتوانی آن دو در فتح قلعه بیان نمی‌شود که یا روایت کرده است ولی

۱. احمد بن حنبل، المسند، ج ۳۸، ۱۴۲۱، ص ۹۷، ح ۲۲۹۹۳؛ نسائی، السنن الکبری، ص ۳۹.

۲. صحابی پیامبر ﷺ، از قبیله اوس و از کسانی بود که در اوایل بعثت ایمان آورد و همه غزوه‌ها به جز تبوک را درک کرد. او در فتح مصر شرکت کرد و اواخر عمر در ربه ساکن شد و در اوایل خلافت معاویه کشته شد.

۳. طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۱.

۴. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۱.

۵. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۳۴؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۱۲.

۶. بخاری، الجامع الصحیح، ص ۵۶۵، ح ۲۹۴۲؛ مسلم، الجامع الصحیح، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ۱۸۷۲.

۷. ابن عقده، فضائل امیر المؤمنین ﷺ، ص ۸۱.

به ما نرسیده است و یا با گرایش مذهبی ابن عقده گره خورده است؛ زیرا زیدی است و چندان مایل به بیان نقص آن دو نیست.

فضیلت نجوای پیامبر ﷺ با امام علی علیه السلام در غزوه طائف: این جریان در منابع عثمانی بازتاب ندارد و تنها چند منبع اهل سنت، آن را نقل می‌کنند.^۱ جریان علوی، بیشتر به دنبال بیان فضایل و تبیین نقش پررنگ ایشان در سیره نبوی است و جریان عثمانی به این امر اهتمام ندارد.

حدیث منزلت: این حدیث دو بار به وسیله ابن عقده بیان می‌شود. حدیث منزلت در بیشتر منابع معتبر اهل سنت آمده است^۲ اما جریان عثمانی سعی می‌کند با به کار بردن الفاظ مشابه و گوناگون، خواننده را دچار شک و تردید کند. بخاری این حدیث را دو بار در صحیح روایت می‌کند. در روایت اول، پیامبر ﷺ به امام علیه السلام می‌فرماید:

آیا راضی نیستی نسبت به من، مانند هارون به موسی باشی؟^۳

در روایت دوم پیامبر ﷺ می‌فرماید:

آیا راضی نیستی نسبت به من، مانند هارون به موسی باشی؟ مگر آن‌که پس از من، پیامبری نیست.^۴

هم‌چنین، مسلم چهار روایت در این باره بیان می‌کند. روایت اول و دوم، شبیه روایت دوم بخاری است.^۵ در روایت سوم، جریان پاسخ سعد بن ابی وقاص به معاویه در برابر

۱. ابن کثیر دمشقی، *البدایة و النهایة*، ج ۷، ص ۳۹۳؛ ابونعیم، *ذکر اخبار اصیهان*، ج ۲، ص ۱۶۲؛ ابن مغازلی، *مناقب أمير المؤمنين علی بن ابی طالب رضی الله عنه*، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. احمد بن حنبل، *المسند*، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بخاری، *الجامع الصحیح*، ج ۵، ص ۱۲۹؛ ترمذی، *السنن*، ج ۵، ص ۶۳۸.

۳. بخاری، *الجامع الصحیح*، ص ۷۰۹، ج ۳۷۰۶.

۴. همان، ج ۴۴۱۶.

۵. مسلم، همان، ص ۹۷۹، ج ۲۴۰۴.

پرسش چه چیز مانع می‌شود ابتراب را سب نکنی؟ گزارش می‌شود که وی، حدیث منزلت را یکی از آن دلایل می‌شمارد و عبارت پیامبر ﷺ «*الا انه لا نبوة بعدی*» را بیان می‌کند.^۱ روایت چهارم تقطیع می‌گردد و عبارت «*الا انه لا نبی بعدی*» بیان نمی‌شود.^۲ برخی دیگر از محدثان اهل سنت، حدیث نبوی را بدون عبارت «*الا انه لا نبی بعدی*»^۳ و برخی دیگر کامل روایت می‌کنند.^۴ مورخان اهل سنت هم، آن را به دو شکل، گزارش می‌نمایند.^۵ نتیجه آن که این روایت در منابع حدیثی و تاریخی به دو شکل کامل و ناقص گزارش می‌شود و ابن عقده حدیث منزلت را بنابر روایتی که به ما رسیده است، کامل بیان نمی‌کند. بنابر قراین محکمی که درباره مذهب و مکتب تاریخی او بیان شد، شاید در برخی دیگر از روایات کامل روایت کرده است، اما به ما نرسیده است.

مباهله: مباهله پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران (۹ق)، یکی از مهم‌ترین فضایل اهل بیت ﷺ است که ابن عقده در سه روایت، آن را بیان می‌کند. این جریان در صحیح بخاری گزارش نمی‌شود. مسلم آن را مستقل بیان نمی‌کند اما همراه با حدیث سعد ابی وقاص که یکی از دلایل خود برای عدم سب امیرمؤمنان ﷺ را واقع مباهله می‌داند، به آن اشاره می‌نماید.^۶ حاکم نیشابوری^۷ و ابن کثیر (د. ۷۷۴ق)^۸، این روایت را مستقل و کامل گزارش می‌کنند اما ابن قیم (د. ۷۵۱ق) بسیار کوتاه به آن اشاره می‌کند.^۹

۱. همان، ح ۲۴۰۴.

۲. همان.

۳. احمد بن حنبل، المسند، ح ۱۴۲۳، ۱۳۸۴؛ ابن ماجه، السنن، ح ۱۱۵.

۴. ترمذی، السنن، ح ۳۷۲۴؛ ح ۳۷۳۰، ۳۷۳۱.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱-۲۳.

۶. مسلم، صحیح مسلم، ص ۱۱۲۹، ح ۳۲.

۷. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳.

۸. ابن کثیر دمشقی، التفسیر، ج ۲، ذیل آیه مباهله.

۹. دعا النبوی ﷺ فاطمة و حسنا و حسینا و خرج للمباهلة (ابن قیم، جلاء الافهام، ج ۱، ص ۲۶۴).

نتیجه آن که ابن عقده، روایت را کامل نقل می‌کند و عبارات قرآن را با اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق می‌دهد و در این باره می‌نویسد:

منظور از نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی، فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حسن و حسین و زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فاطمه و همه اهل بیت علیهم‌السلام اهل و گوشت و خون و جان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

در حالی که هیچ کدام از منابع اهل سنت، این گونه تطبیق نمی‌دهند و حتی حاکم نیشابوری و ابن کثیر، فراز آخر ابن عقده را بیان نمی‌کنند. بنابراین، انعکاس این واقعه مهم، بین منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت کم‌رنگ است. جالب آن که ابن کثیر و ابن قیم با گرایش‌های سلفی، آن را گزارش می‌کنند اما ابن تیمیه برای تشکیک در آن و یا کم کردن فضیلت آن تلاش می‌کند.^۱

سریه امام علی علیه‌السلام به یمن: بنابر دو گزارش ابن عقده، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برابر گزارش منفی بریده، از ایشان امام علی علیه‌السلام دفاع کرد و بر ولایت ایشان پس از خود تأکید نمود. در حالی که این گزارش، با روایت‌گری بریده در منابع عثمانی به شکل دیگری بیان می‌شود.

بخاری سه گزارش درباره این مأموریت بیان می‌کند: ۱. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ابتدا خالد را به یمن فرستاد. سپس امام علی علیه‌السلام را برای دریافت خمس غنایم نزد او فرستاد. ۲. امام علی علیه‌السلام پیش از تقسیم غنایم، کی را تصرف کرد که باعث ناراحتی و غضب بریده شد. بریده به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعتراض کرد ولی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جواب «بر روی خشمگین نباش، حق او در خمس از این زیادتر است» از امام علی علیه‌السلام دفاع کرد. ۳. در گزارش سوم، تنها به ارسال قطعه‌ای طلا از طرف ایشان برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسنده می‌شود.^۴

۱. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، ج ۷، ص ۱۲۲-۱۳۰.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، ص ۸۲۱، ح ۴۳۴۹.

۳. همان، ص ۸۲۱، ح ۴۳۵۰.

۴. همان، ح ۴۳۵۱.

تنها روایت مسلم در این باره، مثل حدیث سوم بخاری است.^۱ بنابراین، مسلم به تصرف کی به وسیله ایشان، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. نتیجه آن که ابتدای گزارش ابن عقده با بخاری و مسلم، به طور تقریبی مثل هم است اما در انتهای گزارش، سخن پیامبر ﷺ درباره ولایت امام علی علیه السلام، شاید به دلیل اعتقاد به جانشینی ابوبکر، سانسور می‌شود. همچنین، ابن عقده بر خلاف بخاری به نقش خالد در بدگویی از امام اشاره می‌کند. واقعه غدیر: معرفی جانشین پیامبر ﷺ، یکی از عرصه‌های تقابل جریان علوی و عثمانی است. ابن عقده جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله را از آن امام علی علیه السلام می‌داند و در این باره، کتاب مهم *الولایة* را نوشته است.^۲ بیان صد و سه طریق روایت غدیر و نوشتن کتابی مستقل درباره وصایت و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام نشان دهنده اهمیت دادن ابن عقده به این واقعه است.

برخلاف وی، عثمانیه یا هم‌چون بخاری، جریان غدیر را نقل نمی‌کنند و یا تقطیع می‌کنند و یا سخنان پیامبر ﷺ در غدیر را مربوط به خلافت نمی‌دانند. به هر حال از دیدگاه آنان، ابوبکر خلیفه مسلمانان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است و جانشینی ابوبکر در زمان ایشان تثبیت شده است^۳ و رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به پیروی از ابوبکر فراخوانده است.^۴

۱. مسلم، صحیح مسلم، ج ۲۴۹۹.

۲. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۴۲.

۳. این تثبیت را به گونه‌های مختلف بیان کرده‌اند. گاه بر خلاف سخن خود که می‌گویند، پیامبر به کسی وصیت نکرد ولی به ابوبکر وصیت کرد و گاه با روایت واگذاری امامت جماعت به ایشان در لحظات آخر عمر خود (ر.ک: بخاری، الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۱۷۵؛ ج ۸، ص ۱۴۵؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۹۶، ۱۵۹، ۲۷۰) و گاه با فضایل خاص (ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۰۰؛ دانشنامه سیره نبوی، ج ۱، مدخل ابوبکر).

۴. خلال، السنه، ج ۱، ص ۲۷۴.

گزارش این جریان، با بی‌مهری طبری در کتاب تاریخش مواجه شده است ولی او در اواخر عمر، کتاب *الولایة* را در این زمینه نوشت.^۱ در مقابل جریان عثمانی، تلاش ابن عقده برای اثبات خلافت امام علی علیه السلام و به چالش کشیدن مبنای اعتقادی آنان درباره مشروعیت حکومت ابوبکر است. بر اساس گزارشی از او، پس از خلافت ابوبکر برای برخی این پرسش مطرح بود که چرا مردم به جای امام علی علیه السلام به او گرایش یافتند؟ وی در تبیین این گرایش، به فعالیت‌های ایشان در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و کشتار بزرگان قریش در جنگ‌ها به‌وسیله ایشان اشاره می‌کند که همین کینه، سبب روی‌گردانی آنان از امام علیه السلام و تمایل به ابوبکر شد.^۲

در گزارش دیگری در این باره آمده است:

امام علی علیه السلام در دوران حکومت خود در جواب شخصی که پرسید: چرا فدک را بر نمی‌گردانید؟ فرمود: زیرا ما اهل بیت حقوق غصب شده خود را باز پس نمی‌گیریم مگر او (باز پس گیرد)، ما اولیای مؤمنان هستیم و حقوق آنان را از ظالمان می‌گیریم و برای خودمان، چیزی نمی‌گیریم.^۳

این سخن به غیر از مشروع نبودن غضب فدک به‌وسیله ابوبکر، بر ولایت ایشان بر مؤمنان اشاره دارد. مطلب دیگری که در تقابل با عثمانیه در روایات ابن عقده گزارش شده است، خطبه حضرت زهرا علیها السلام پس از غضب فدک در غیر مشروع بودن خلافت ابوبکر است.^۴

۱. ر.ک: جعفریان، بخش‌های برجای مانده کتاب فضائل علی بن ابی‌طالب علیه السلام و کتاب الولایة محمد بن جریر بن یزید طبری، مقدمه.

۲. ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۶۱.

۳. ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۵.

۴. ابن عقده، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۶۴.

وفات پیامبر ﷺ: آخرین فرد ملاقات کننده با ایشان، منشأ تقابل این دو جریان است. روایت ابن عقده درباره دیدار امام علیؑ با پیامبر ﷺ بیان شد. در مقابل، عثمانیه، عایشه را تنها همراه پیامبر ﷺ در لحظات آخر عمر ایشان می‌دانند. بنابر گزارش بخاری و مسلم، با شدت گرفتن بیماری، پیامبر ﷺ از همسران خویش خواست تا در خانه عایشه پرستاری شود. سپس با کمک عباس و امام علیؑ به منزل وی منتقل شد.^۱

در روایت دیگری در این باره آمده است:

عده‌ای نزد عایشه تأکید کردند که امام علیؑ، وصی رسول الله ﷺ است اما وی گفت: چه زمانی به او وصیت کرده است. در حالی که آن حضرت، بر سینه من تکیه زده بود و از من تشنه خواست. سپس در کنار من خمیده شد و من در نیافتم که آن حضرت مرده است. پس چه زمانی به او وصیت کرده است؟^۲

همچنین به گفته عایشه، وی به هنگام وفات ایشان، معوذتین را قرائت کرد.^۳

۴-۳. تقابل در نقش حضرت فاطمهؑ در سیره نبوی

در مجموع چهار روایت درباره نقش حضرت زهراؑ در سیره نبوی بیان شده است. سه روایت مربوط به ازدواج و یک روایت درباره ملاقات با پیامبر ﷺ در آخرین لحظات عمر ایشان بود که بیان شد.

درباره نگاه جریان عثمانی به ازدواج ایشان باید گفت که اول این که در صحیح بخاری و مسلم، هیچ روایتی درباره ازدواج ایشان گزارش نشده است که نشان دهنده کم‌رنگ شدن نقش حضرت زهرا(س) است. دوم این که از بین صحاح سته، نسائی به خواستگاری

۱. بخاری، الجامع الصحیح، ص ۶۲، ح ۱۹۸؛ مسلم، صحیح مسلم، ص ۱۷۹، ح ۴۱۸.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، ص ۵۲۷، ح ۲۷۴۱؛ مسلم، صحیح مسلم، ص ۶۷۱، ح ۱۶۳۶.

۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۵۰.

ابوبکر و عمر از حضرت فاطمه (س) و جواب رد پیامبر ﷺ اشاره می‌کند.^۱ سوم این که تنها نسائی در دو جا، بر حضور پررنگ اسماء در عروسی حضرت فاطمه ﷺ اشاره می‌کند^۲ ولی دیگران یا نقل نمی‌کنند و یا مثل ابن ماجه (د. ۲۷۵ق) در مقابل نقش اسماء بنت عمیس، بر نقش عایشه و ام سلمه تأکید می‌کنند.^۳

روایات دیگر ابن عقده درباره حضور حضرت فاطمه ﷺ در آخرین لحظات عمر پیامبر ﷺ و ناراحتی ایشان، ازدواج با امام علی ﷺ به دستور خداوند، وصایت امام علی ﷺ به دستور خداوند که منجر به خوشحالی و خنده فاطمه (س) شد در منابع اهل سنت جایی ندارند، اما نجوای معروف پیامبر ﷺ با فاطمه، بازتاب گسترده‌ای دارد و مفاد آن در تقابل آن مواردی است که ابن عقده نقل کرده است.

بنابر منابع معتبر اهل سنت در روزهای پایانی عمر پیامبر ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ به دیدار پدر رفت و ایشان مطلبی خصوصی به ایشان فرمود. این جریان در صحاح سته، متفاوت بیان می‌شود: ۱. ابتدا پیامبر ﷺ مطلبی در گوش او گفت که گریه کرد. سپس مطلبی گفت که خندید. عایشه از آن راز پرسید، اما وی فرمود: سر رسول الله را فاش نمی‌کنم.^۴ ۲. دلیل گریه، خبر نزدیکی مرگ پیامبر ﷺ و ملحق شدن فاطمه به عنوان اولین اهل بیت او بیان می‌شود و دلیل خنده، خبر پیامبر ﷺ درباره برتری فاطمه ﷺ بر زنان بهشت یا زنان مؤمن^۵ یا بر زنان این امت^۶ بیان می‌شود. ۳. دلیل گریه، خبر نزدیکی مرگ پیامبر ﷺ بیان می‌شود و دلیل خنده، خبر ایشان درباره برتری فاطمه ﷺ بر زنان

۱. نسائی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۲۶۵؛ ج ۵، ص ۱۴۳.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۴۳، ۱۴۴.

۳. ابن ماجه، السنن، ج ۳، ص ۳۵۰.

۴. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۶۲.

۵. همان، ص ۶۳؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۶؛ ابن ماجه، السنن، ج ۳، ص ۱۳۱.

۶. نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۴۶.

مؤمن یا زنان این امت^۱ یا زنان همه عالم^۲ یا برتری فاطمه علیها السلام بر زنان بهشت غیر از مریم بیان می‌شود.^۳ دلیل گریه، اطلاع دادن پیامبر صلی الله علیه و آله از نزدیکی مرگ خویش بیان می‌شود و دلیل خنده، محلق شدن حضرت فاطمه (س) به عنوان اولین اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان بیان می‌شود.^۴ تنها به گریه فاطمه (س) و دلیل آن، خبر نزدیکی مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌شود.^۵

نتیجه آن که بنا بر روایت ابن عقده، دلیل گریه فاطمه (س) حال ناخوش پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌شود و دلیل خنده ایشان، تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر فضیلت برگزیده شدن خود به عنوان پیامبر صلی الله علیه و آله، ازدواج فاطمه (س) با امام علی علیه السلام به دستور خداوند و وصایت وی، عنوان می‌شود. در حالی که در منابعی که معرفی شد، این‌گونه نبود.

۵. نتیجه‌گیری

از مجموع بیست و یک موضوعی که از روایات ابن عقده درباره سیره نبوی بر جای مانده است، در پانزده مورد آن به نقش امام علی علیه السلام در آن موضوع‌ها، اشاره شده است (۷۳٪). (نمودار شماره ۱)

هم‌چنین با تطبیق گزارش‌های جریان عثمانی درباره این موضوع‌ها، معلوم شد در نه مورد بیان نشده است (۴۲٪). در شش مورد متفاوت گزارش شده است (۲۵٪) و در هشت مورد (۳۳٪)، مشترک بیان شده است. (جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۲)

۱. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۱۰، ص ۷۶؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۶.

۲. نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۴۷.

۳. ترمذی، السنن، ج ۵، ص ۵۲۰ و ۵۱۳؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۹۵، ۹۶، ۱۴۵.

۴. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۱۲۱، ۶۳؛ ج ۷، ص ۹۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۴؛ ترمذی،

السنن، ج ۵، ص ۵۱۳؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۹۶، ۳۹۲.

۵. بخاری، الجامع الصحیح، ج ۶، ص ۶۳.

بنابراین، دیدگاه ابن عقده نسبت به دیدگاه جریان عثمانی، نقش امام علی علیه السلام در سیره نبوی را در جایگاه بسیار ممتازی قرار می‌دهد. هم‌چنین، دیدگاه جریان عثمانی نسبت به ابن عقده، تنها در ۳۳٪ مشترک است و در ۶۷٪ یا گزارش نگردیده است و یا متفاوت بیان شده است.

بنابراین، یکی از خصوصیات سیره‌نگاری ابن عقده، تأکید بر نقش امام علی علیه السلام در وقایع آن دوران و کمرنگ بودن نقش دیگر صحابه به ویژه، خلیفه اول و دوم است. در مقابل آن، جریان عثمانی یا از بیان وقایعی که امام علی علیه السلام در آن نقش داشته است، چشم پوشی می‌کنند، یا آن را کمرنگ جلوه می‌دهند و بخش بسیار کمی از آن را بیان می‌کنند.

جدول ۱. دیدگاه‌های ابن عقده و جریان عثمانی درباره موضوعات سیره نبوی

موضوع	دیدگاه ابن عقده	دیدگاه جریان عثمانی
می‌لاد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	اثبات معجزه و کرامت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	نقل نشده است
اسلام ابوطالب	مسلمان و مؤمن بودن ابوطالب	تفاوت: مشرک بودن ابوطالب و مرگ بر شرک و کفر
اولین مسلمان	اولین مسلمان: امام علی <small>علیه السلام</small>	تفاوت: تردید بین چند نفر
اعلان جانشینی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	انتصاب امام <small>علیه السلام</small> به عنوان جانشین پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	نقل نشده است
هجرت به مدینه	حضور پررنگ امام <small>علیه السلام</small>	تفاوت: تأکید بر حضور ابوبکر و دخترش اسماء
برادری	اثبات برادری امام <small>علیه السلام</small> و پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	تفاوت: ایجاد تردید، برادری امام علی <small>علیه السلام</small> و سهل
ازدواج امام علی <small>علیه السلام</small>	کرامت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در شب ازدواج حضور اسماء در مراسم	نقل نشده است نقل نشده است
جنگ بدر	حضور مؤثر امام <small>علیه السلام</small> در جنگ	نقل شده است

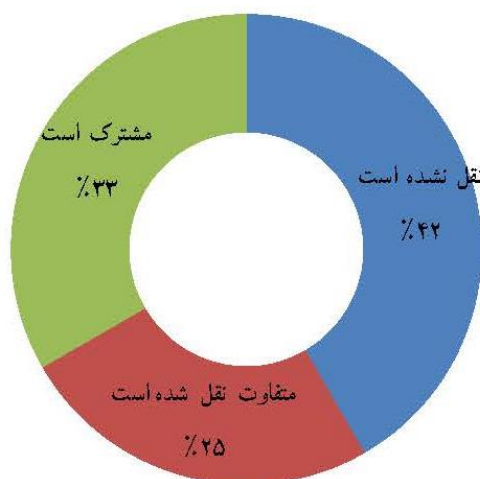
موضوع	دیدگاه ابن عقده	دیدگاه جریان عثمانی
	بدر	
خندق	قتل جاسوس مشرک به وسیله صفیه دعای پیامبر ﷺ در حق امام ﷺ	نقل شده است نقل نشده است
بنی قریظه	کاربرد حيله در جنگ	نقل شده است
حادثه افک	تقابل عایشه با امام علی ﷺ	نقل شده است
حدیبیه	بیان فضیلت امام ﷺ و نکوهش خلیفه اول و دوم	نقل نشده است
خیبر	فرمان دهی و پرچم‌داری امام ﷺ	نقل شده است
فتح مکه	تاریخ فتح مکه، شکستن بت‌ها و طواف خانه خدا	نقل شده است
غزوه طائف	نجوای خداوند با امام ﷺ	نقل نشده است
تبوک	همانندی امام علی ﷺ با هارون ﷺ	نقل شده است
مباهله	همراهی اهل بیت ﷺ با پیامبر ﷺ	نقل نشده است
گرفتن زکات	گرفتن زکات از عباس به وسیله عمر	نقل نشده است
سریه یمن	بدگویی اصحاب از امام ﷺ و دفاع پیامبر ﷺ	تفاوت: بدگویی اصحاب از امام علی ﷺ و دفاع پیامبر
جانشینی پیامبر ﷺ	تأکید بر جانشینی امام علی ﷺ پس از پیامبر ﷺ	تأکید بر جانشینی ابوبکر پس از پیامبر
وفات پیامبر ﷺ	حضور امام ﷺ در لحظات آخر عمر پیامبر ﷺ	حضور عایشه در آخرین لحظات عمر پیامبر

ریز موضوعاتی که درباره نقش امام علی علیه السلام در سیره نبوی آمده است و به وسیله ابن عقده منعکس شده است، ۷۳٪ کل گزارش‌های سیره نبوی وی است که نشان دهنده اهمیت دادن به این موضوع است.

نمودار ۱. نقش امام علی علیه السلام در سیره نبوی ابن عقده



مربوط به جدول بالا است؛ یعنی در موضوعاتی که در جدول است، ۳۳٪ با ابن عقده مشترک است و بقیه در منابع عثمانی یا نقل نشده است و یا متفاوت نقل شده است. نمودار ۲. دیدگاه جریان عثمانی، نسبت به دیدگاه ابن عقده



منابع

۱. ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد عبدالكريم النمرى، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۸.
۲. ابن اثير، الكامل فى التاريخ، تحقيق عبدالله قاضى، چاپ دوم، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن بابويه، الامالى، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
۴. ابن بابويه، علل الشرايع، قم: مؤمنين، ۱۳۸۵.
۵. ابن تيميه، منهاج السنه النبويه، تحقيق محمد رشاد سالم، رياض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلاميه، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان، كتاب الثقات، حيدر آباد هند: مؤسسه الكتب الثقافه، ۱۳۹۳ق.
۷. ابن حجر، احمد بن على، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و ديكران، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۸. ———، فتح البارى بشرح صحيح البخارى، بيروت: دار المعرفه، بى تا.
۹. ابن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ابن شهر آشوب، المناقب فى آل ابى طالب عليه السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹.
۱۱. ابن طاووس، الطرايف فى معرفه مذاهب الطوائف، قم: خيام، ۱۴۰۰ق.
۱۲. ابن عساکر، تاريخ مدينه دمشق، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن عقده، فضائل امير المؤمنين، محقق عبدالرزاق حرزالدين، قم: دليل ما، ۱۴۲۱ق.
۱۴. ابن قتيبه دينورى، عبدالله بن مسلم، الاختلاف فى اللفظ و الرد على الجهميه و المشبهه، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۰۵ق.
۱۵. ابن كثير دمشقى، البدايه و النهايه، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۷ق.
۱۶. ابن ماجه، السنن، محقق بشار عواد معروف، بيروت: دارالجيل، بى تا.
۱۷. ابن مغازلى، مناقب امير المؤمنين على بن ابى طالب رضى الله عنه، محقق أبو عبدالرحمن تركى بن عبدالله الوادعى، صنعاء: دار الآثار، ۱۴۲۴ق.
۱۸. ابن هشام، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبيارى و عبدالحفيظ شلبى، بيروت: دارالمعرفه، بى تا.
۱۹. ابوالفرج اصفهانى، الاغانى، بيروت: دار احياء التراث الاسلامى، ۱۴۱۵ق.
۲۰. ابوالفرج اصفهانى، مقاتل الطالبين، شرح و تحقيق احمد صقر، بيروت: مؤسسة الاعلمى، ۱۴۰۸ق.

۲۱. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصبهان، تهران: جهان، ۱۳۵۰ ق.
۲۲. احمد بن حنبل، المسند، محقق شعيب الارنؤوط، بيروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۸ ق.
۲۳. احمدی، علی و روحی برندق، کاوس، «مطالعه تطبیقی مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری فریقین تا قرن هفتم»، امامیه پژوهی، ش ۵.
۲۴. بخاری، صحیح البخاری، تحقیق ابوصهیب الکریمی، ریاض: بیت الافکار الدولية، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. بلاذری، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. ترمذی، سنن ترمذی، محقق احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. بلاذری، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. ترمذی، محقق احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. جاحظ، عمرو بن بحر، العنمانيه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مصر: دارالکتب العربی، ۱۹۵۵ م.
۳۰. جعفریان، رسول، بخش‌های برجای مانده کتاب فضائل علی بن ابی‌طالب علیه السلام و کتاب الولاية محمد بن جریر بن یزید طبری، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹.
۳۱. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۳۳. خلال، ابوبکر احمد بن محمد، السنه، محقق عطیه الزهرانی، ریاض: دارالرایه، ۱۴۱۰ ق.
۳۴. طبرانی، المعجم الصغیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، قم: بی نا، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۳۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالتقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳۸. _____، رجال الطوسی، نجف: منشورات مکتبه و المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۳۹. کوفی علوی، محمد بن علی، تسمیه من روی عن الإمام زید بن علی علیه السلام من التابعین، صنعاء: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۲۰۰۳ م.
۴۰. مسلم، صحیح مسلم، ریاض: بیت الافکار الدولية، ۱۴۱۹ ق.
۴۱. مفید، محمد بن محمد، الامالی، مصصح حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۴۲. _____، الجمل و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۴۳. موسوی، فخار، ایمان ابی طالب (الحجة على الناهب إلى كفر ابی طالب)، نجف: چاپخانه العلویة، ۱۳۵۱ق.
۴۴. ناشیء اکبر، مسائل الامامة، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.
۴۵. نسائی، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق
۴۶. هدایت پناه، محمدرضا، حدیث برادری در سیره نبوی ﷺ، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۴۷. _____، «تقدی بر رویکرد صحابه نگاران به حضرت ابوطالب ؑ با تکیه بر ابن حجر و کتاب الاصابة»، سفینه، ش ۴۹.
۴۸. _____، بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

